



رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarenghelab_

در این روزها انواع اقشار جامعه
با تفاوت های آشکار، بر حفظ
مواضع بحق خود و از جمله
حفظ تنگه پر خیر و برکت هرمز
پای می فشارند. ۱۴۰۵/۷/۶

روزنامه ای-انترنی
KHAMENEI.IR
یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵



ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

این شماره تقدیم میشود به

شهید محمد حسین
عرب مختاری



دانش آموز عشایر اهل نصرآباد جرقویه که به
همراه خانواده اش در ۱۶ فروردین ماه ۱۴۰۵،
در ماجرای «طبس ۲» توسط تروریست های
آمریکایی با شلیک مستقیم به شهادت رسید.

گنج پنهان هرمز



سرمقاله

صادراتی تولید کرد. جزایر هرمز، قشم و سواحل مکران ایران، استعدادی شگرف برای تبدیل شدن به قطب های فرآوری آبزیان، زنجیره سرد شیلات و گردشگری طبیعت محور دارند. تنگه هرمز یک موهبت الهی و سنگ بنای قدرت ژئواکونومیک ماست. برای بهره مندی حقیقی از این خیر و برکت، باید از نگاه تک بعدی فاصله گرفت و زنجیره های متفاوت اقتصادی را فعال کرد. شکل دهی ائتلاف های سودمند پولی و فنی با همسایگان، سرمایه گذاری جسورانه در فناوری های نوین دریایی، توسعه زیرساخت های تعمیراتی و توجه به حیات زیستی آب ها، نقشه راه ما برای دهه های پیش رو خواهد بود. قدرت ما در این پهنه آبی با تعداد کشتی هایی سنجیده خواهد شد که به آن ها خدمات فنی، سوخت پاک و بیمه می فروشیم و با میزان ثروتی محک می خورد که از زنجیره های بکر اقتصاد آبی صید می کنیم. زمان آن رسیده است این نعمت بزرگ را با چشمانی تازه بنگریم و سهم واقعی و ماندگار ملت ایران را از این جریان عظیم ثروت احیا کنیم.

منطقه ای بیمه بسازیم. کاهش خطرات ناوبری و تبادل داده های جوی و هیدروگرافی، میلیاردها دلار هزینه ریسک را مهار کرده و سود آن را به چرخه اقتصاد ملی ما سرازیر خواهد کرد. همچنین، ظرفیت خط لوله گوره به جاسک در کنار مسیرهای جایگزین همسایگان، رقیب یکدیگر نیستند؛ قطعاتی از پازل تضمین جریان حیات اقتصاد منطقه به شمار می آیند. نگاه به این موضوع نشان می دهد که بوی ثروت در خلیج فارس همواره بوی نفت نیست. در زیر این موج های آرام، سرمایه ای طبیعی و تکرارناپذیر نفس می کشد. ماهیانی که از حیث تنوع و کیفیت گوشت، بیشتر در سمت ایران قرار گرفته اند، زیستگاه های باشکوه مرجانی، علفزارهای دریایی و حضور بیش از هزار گاودراییی در آب های منطقه، گنجینه هایی بی بدیل محسوب می شوند. اقتصاد دریا همان حلقه گمشده توسعه ماست. کشور عمان با تولید ۹۰۱ هزار تن آبرزی در سال ۲۰۲۴ و سرمایه گذاری های چندصد میلیون دلاری در صنایع تبدیلی، نشان داده است چگونه می توان از ضایعات صید و ماهیان ارزان قیمت، پودر ماهی، روغن و محصولات باارزش

(بانکرینگ)، خدمات پیچیده بیمه، هدایت ناوگان و پشتیبانی های فنی پنهان مانده است. در همسایگی ما، امارات نیمی از درآمد های کلان خود را از خدمات جانبی کشتیرانی به دست می آورد. اما جنگ جاری به همه نشان داد شکنندگی این مسیر چه بهای سنگینی بر اقتصاد جهان تحمیل می کند. در روزهای پس از جنگ تحمیلی، آمار عبور روزانه کشتی ها از حدود ۱۳۰ فروند تا عدد تکان دهنده ۶ فروند سقوط کرد و کشتی های کمی با سیستم های ردیابی خاموش و در تاریکی مطلق، در روزهای دیگر از مسیر عبور می کردند. در پی این شوک، حق بیمه جنگ برای یک کشتی ۱۰۰ میلیون دلاری، در چشم برهم زدن به میلیون ها دلار برای هر مسافرت رسید. حق بازار بیمه لویدز لندن، کنسرسیومی ویژه برای پوشش خطرات این تنگه ایجاد کرد. این بحران پرده از یک حقیقت اقتصادی بزرگ برداشت: امنیت و تاب آوری، خود گران بهاترین محصول قابل فروش در این منطقه است. ما می توانیم با تکیه بر بنداری چون جاسک و بندرعباس و شکل دهی یک پیمان فنی دریایی با عمان و امارات، یک شبکه

رهبر معظم انقلاب تا به امروز دوبار از تنگه راهبردی هرمز با تعبیری چون «مواهب اقتصادی» و «تنگه پر خیر و برکت هرمز» یاد کرده اند. اشارتی سنجیده که آشکارا ذهنیت برنامه ریزان ما را به بیداری و تغییر زاویه دید فرامی خواند. در سپهر اقتصاد، این پهنه آبی لایه های گوناگون و ظرفیت های پرشماری در دل خود پنهان دارد. با این حال، هنوز تصویر مسلط در نگاه بسیاری، همان قاب آشنای یک دروازه سنتی برای دریافت عوارض عبور است. هرچند این برداشت در جای خود درست و دارای اهمیت است، اما تنگه هرمز در حقیقت یک منظومه زنده و درهم تنیده اقتصادی محسوب می شود؛ روایتی بسیار ریشه دارتر و پرشاخ و برگ تر از یک گذرگاه ساده برای عبور نفتکش ها. در روزهای قبل از جنگ تحمیلی، نزدیک به یک پنجم نفت جهان و ۱۱ میلیارد فوت مکعب گاز مایع (LNG) قطر که تأمین کننده اصلی انرژی آسیاست، از این تنگه می گذشت. ارزش محموله های عبوری در یک سال عادی، رقمی افسانه ای میان ۴۹۰ تا ۷۵۵ میلیارد دلار برآورد می شود. به علاوه، پول هنگفت این مسیر در تعمیرات تخصصی کشتی ها، سوخت رسانی های نوین

روایت شهید نیلفروشان از:

دلدادگی عمیق مردم لبنان به رهبر شهید

گفت وگویی تازه منتشر شده رسانه KHAMENEI.IR با سردار سر لشکر شهید عباس نیلفروشان، به مناسبت سالگرد شهادت این سردار رشید و اندیشمند، روایتی از عمق دلدادگی مردم لبنان به رهبر شهید انقلاب و جایگاه ولایت فقیه در جبهه مقاومت است. شهید نیلفروشان در این گفت وگویی گوید: «ثبات استراتژی، در مستضعفین جهان، به خصوص در محور مقاومت، خیلی بُروز و ظهور داشته؛ به حدّی که نگاهشان به ولی فقیه و ولایت فقیه یک نگاه عاشقانه است و آن را با تمام وجود پذیرفته اند. آنچه من در خارج از مرزها دیده ام این است که عمق اعتقاد به ولایت فقیه حتی با عشقی بسیار فراتر از داخل کشور ما است. مصداقش خود سید حسن نصر الله است؛ سید حسن بدون نظر حاج قاسم کاری نمی کرد. این تأثیر ولایت فقیه است. در لبنان، وقتی که می رفتیم به خانواده ی شهدا سر می زدیم، کسی اسمی از سید حسن نصر الله نمی آورد؛ خانواده ی شهید می گفتند جوان ما فدای آقا؛ می گفتند ما برای اسلام دادیم، برای ولی فقیه دادیم! این تفکر سید حسن نصر الله که حضرت آقا را ولی فقیه می داند، تأثیر فرمان پذیری را نشان می دهد. مهم ترین عنصر در جریان شکل گیری یک نهضت، فرماندهی و رهبری است. این نقش رهبری و تداوم مسیر حضرت آقا تا دور افتاده ترین روستاهای لبنان و عراق، امروز قابل مشاهده است. یک زمانی که من با خانواده ی شهیدی دیدار می کردم، همه حرفشان این بود که آقا گفته مقاومت کنبد و شهیدشان را مستقیم منتسب به آقامی دانستند! این تأثیری است که آقا در ذکرو فکر و روح و روان شیعه های دنیا گذاشته.»

قاب

طلای نجومی

تیم ملی المپیاد نجوم و اختر فیزیک جمهوری اسلامی ایران در نوزدهمین دوره المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک (IOAA 2026) که از ۳ تا ۱۳ مهر ۱۴۰۵ در شهر هانوی ویتنام برگزار شد، موفق به کسب ۵ مدال طلا شد و برای سومین سال پیاپی قهرمانی جهان را از آن خود کرد. تیم ملی المپیاد نجوم در هنگام قهرمانی، یاد و خاطره دانش آموزان میناب را با نماد کوله پشتی زنده نگه داشتند.



#اعتراف وال استریت ژورنال

جنگ ایران و بازنگری جدی آمریکا در قدرت نظامی

جنگ ایران برای آمریکا فقط یک درگیری نظامی دیگر در غرب آسیا نیست، بلکه محدودیت هایی را آشکار کرده که می تواند محاسبات واشنگتن درباره حضور نظامی در منطقه را تغییر دهد. حالا ویلیام گالستون دروال استریت ژورنال این پرسش را مطرح کرده که آیا جنگ ایران می تواند آخرین جنگ آمریکا در این منطقه باشد. گالستون معتقد است این جنگ نشان داد توان نظامی آمریکا با تعهدات جهانی این کشور تناسب ندارد. کاهش سریع ذخایر مهمات، فرسودگی ظرفیت کشتی سازی و انتقال برخی تجهیزات دریایی از شرق آسیا به منطقه، همگی نشانه هایی از همین شکاف هستند. به نوشته او، آمریکا حتی برای یک درگیری نسبتاً محدود با یک قدرت منطقه ای با محدودیت منابع روبه رو شده است. در عرصه هوایی نیز بمباران توانست خسارت سنگینی وارد کند، اما نتوانست همه ظرفیت های ایران را از بین ببرد. از سوی دیگر، حملات به پایگاه های آمریکا در منطقه و فشار بر مسیرهای انرژی، هزینه های درگیری را افزایش داد. نکته مهم تر این است که به باور گالستون، حتی برتری نظامی آمریکا لزوماً به یک نتیجه سیاسی منجر نمی شود. فشار اقتصادی می تواند ایران را تحت فشار قرار دهد، اما تضمینی برای تغییر رفتار تهران وجود ندارد. از این منظر، جنگ ایران می تواند برای واشنگتن یک نقطه عطف باشد؛ آغاز بازنگری در سیاست در غرب آسیا که طی ربع قرن گذشته بر انکای گسترده به قدرت نظامی آمریکا بنا شده است.